

مارکا (اسپانیا)



درگذشت دیگو مارادونا موضوعی بود که مورد توجه اکثر رسانه‌های ورزشی جهان قرار گرفت و جلد اصلی آنها را به خود اختصاص داد. این روزنامه هم با اشاره به اینکه وداع با مارادونا صحنه‌های جالب و باشکوهی را ایجاد کرده و بیرون کاخ ریاست جمهوری آرژانتین غوغا بود، تیتَر «همه را رها کرد» را به آن اختصاص داد.

گاتر تا دلو اسپورت (ایتالیا)



این روزنامه که روز بعد از فوت مارادونا، تیتَر «خدا مرد» را با اشاره به گلزنی او که به دست خدا معروف شده روی جلد خود برده بود، دیروز هم جلد اصلی خود را به سوگاری هواداران این بازیکن بزرگ فوتبال جهان اختصاص داد و با اشاره به مراسم تشییع او تیتَر «تمام دنیا اشک می‌ریزد» را انتخاب کرد.

اکیپ (فرانسه)



مارادونا، ستاره‌ای بی‌همتا در قدرت ذهنی



مهید زیاei کارشناس فوتبال

خبر درگذشت دیگو مارادونا، خبر تلخی بود که همه را شوکه کرد. او ستاره‌ای بود که مانند همه بزرگان فوتبال در اقصی نقاط جهان یا در کشور خودمان از یک خانواده فقیر آمد و در دل توده‌های مردم رشد کرد و با پشتکار و تلاش خودش به مراحل بهتری رسید، اما در کنار توده‌ها باقی ماند. او در جنگ مالویناس با همان فالکنکند که در آن درگیری بین آرژانتین و بریتانیا به‌وجود آمد، خیلی تحت تأثیر قرار گرفت و خودش را نماینده کل امریکای لاتین می دانست که می‌خواست جلوی دشمن بایستد؛ مثل سرخپوست‌ها که از قبیله خودشان دفاع می‌کنند و مارادونا این را در عمل نشان داد. پس از اینکه او در بازی با انگلیس آن گل را زد که یکی از آنها را با دست وارد دروازه این تیم کرد، مادر سال ۱۳۶۷ کلاسی را زین‌نظر آقای دتمارکرامر برگزار می‌کردیم. این مدرس آلمانی فوتبال می‌گفت اگر مارادونا همان موقع می‌گفت که این گل را با دست زده، برای همه زمان‌ها این حرف او جاودانه می‌شد ولی با این کارش، اخلاق بد خود را نشان داد، البته این نظر کرامر بود ولی وقتی بعدها این سؤال را از خود مارادونا پرسیدند، گفت: «این دست خدا بود.» پس او کاملاً فکر می‌کرد که محق است و دارد انتقام مردمش را می‌گیرد. حالا شاید خیلی‌ها معتقد باشند که لیونل مسی از مارادونا بهتر بوده. شاید حق با آنها باشد و ممکن است مسی در زمینه‌های تکنیکی بهتر باشد ولی ویژگی‌ای که مارادونا را متمایز می‌کند، در خصوصیات ذهنی و روانی اش بود و من فکر نمی‌کنم از این لحاظ در تاریخ فوتبال جهان مانند مارادونا بوده باشد؛ بازیکنانی مانند بله، فرانتس بکن باوئر و یوهان کرایوف هم بازیکنان بزرگی بودند ولی هیچ کدام قدرت ذهنی مارادونا را نداشتند. او یک تنه می‌توانست با خیلی‌ها مبارزه کند و از یک تیم معمولی یک تیم قهرمان بسازد؛ همان طور که در ناپولی این کار را کرد. او با تیم‌های متوسطی در آرژانتین ۲ بار به فینال جام جهانی آمد و یک بار هم قهرمان شد. انگیزه‌های درونی که مارادونا داشت، باعث می‌شد که او این حس را به هم تیمی‌های خود منتقل کند و این خصوصیتی است که بازیکنان در دنیا به ندرت دارند، در حالی که خیلی‌ها اصلاً بلد نیستند برای خودشان انگیزه تولید کنند و این مربی با روانشناس هستند که باید برای آنها انگیزه ایجاد کنند. بعضی‌ها هم هستند که انگیزه را تنها برای خودشان تولید می‌کنند ولی نمی‌توانند آن را به بقیه تسری بدهند؛ در شرایطی که برخی آنقدر انگیزه انرژی دارند که آن را به هم تیمی‌های‌شان و مربیان خود و حتی به مردم کشورشان منتقل می‌کنند. خیلی‌ها به این حضور مارادونا در رختکن منشر شده، نشان می‌دهد که او چطور مردم کشورش را به هیجان وا می‌داشت، با اینکه فشار روانی زیادی روی خودش بود. مارادونا عقیده داشت ژائو هاوالانژ رئیس بزریلی وقت فیفا علیه اوست و می‌گفت چون هاوالانژ فوتبال ۵ نفره (منظورش فوتسال بود) را دوست ندارد، من می‌خواهم آنجا هم بازی کنم. شاید بزرگترین اشکالی که می‌توان به مارادونا وارد کرد، این بود که او به خودش خیلی بد کرد و خودش هم به این موضوع معترف بود. ۲۵ سال پیش وقتی در سرمناری در مالزی بومد و آنجا دربارۀ مارادونا صحبت می‌شد، به این اشاره شد که وقتی او در جام جهانی ۱۹۸۶ قهرمان شد، نصف بیشتر جهان آرژانتین را با مارادونا شناختند. آنها به خاطر او عاشق این کشور شدند و حتی توریست‌هایی که به آرژانتین می‌رفتند، بیشتر شد و بعد به خاطر انحطاط اخلاقی اش از این کشور متنفر شدند؛ پس مشخص می‌شود که مارادونا چه تأثیری روی افکارعمومی در سطح جهان داشته است و برای همین خیلی‌ها دوست داشتند که از او مرابعبت کنند؛ اما در عین حال، او آدم ناسازگاری هم بود، حتی در مقاله‌ای خواندم زمانی که در بارسلونا بود و می‌خواست از این باشگاه برود، با رئیس باشگاه دعوا کرد و زمانی که با جدایی او موافقت نشده بود، گلدان‌های باشگاه را می‌شکند. مجموعه اینها را وقتی کنار هم می‌گذاریم باید گفت که او یک ستاره یابی بود که بشدت کشورش را دوست داشت؛ در جام جهانی ۲۰۱۸ وقتی ملی تیم کشورش گل می‌زد، او طوری خوشحالی می‌کرد که انگار خودش داخل زمین است، در حالی که مریض احوال هم بود؛ در کل او بازیکنی بود که شاید از نظر فنی بتوان او را با ستاره‌های دیگر مقایسه کرد، ولی از نظر ذهنی همتا نداشت.

برای دیگو که خداوندگار فوتبال بود

## اسطوره ها هیچ وقت نمی میرند!



حامد گوربانی روزنامه نگار

اسطوره در برخی از فرهنگ‌ها، به معنای «آنچه خیالی و غیر واقعی است و جنبه افسانه‌ای محض دارد.» است اما در اسطوره شناسی سخن از این است که چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد. شخصیت‌های اسطوره‌ای را موجوداتی مافوق طبیعی تشکیل می‌دهند که همواره هاله‌ای از تقدس قهرمان‌های مثبت آن را فراگرفته است. حوادثی که در خصوص اسطوره نقل می‌شود، داستان واقعی تلقی می‌شود، زیرا به واقعیت‌ها برگشت داده می‌شود و همیشه منطقی را دنبال می‌کند. اسطوره گاهی به ظاهر حوادث تاریخی را روایت می‌کند اما آنچه در این روایت‌ها مهم است، صحت تاریخی آنها نیست بلکه مفهومی است که شرح این داستان‌ها برای معقدان آنها درد دارند و همچنین از این جهت که دیدگاه‌های آدمی را نسبت به خویشتن و جهان و آفریدگار بیان می‌کند، دارای اهمیت است. در این بین، واژه اسطوره به قهرمانانی که دیگر در قید حیات نیستند نیز گفته می‌شود. کلمه‌ای که به صورت غلط مصطلح درباره قهرمانانی که زنده هستند و از محبوبیت زیادی در بین مردم برخوردارند هم رایج شده است. حالا سالیان زیادی است که اسطوره به قهرمان‌های ورزشی کشورهای گوناگون در رشته‌های مختلف نیز اطلاق می‌شود. مثل دیگو ارامانو و مارادونا که در زمان حیات اسطوره فوتبال آرژانتین و جهان بود و حالا نیز این پسوند معمول بعد از نام شهرام ۱۰۰ کاپیتان تازه درگذشته آلبی هستند نیز می‌آید. با نگاهی به آنچه در سطور بالا گفته شد، می‌بینیم که مارادونا تمام شاخصه های اسطوره بودن را داشته است. پسر فقیری در بوئنوس آیرس که با شکوفایی استعدادش به یکی از بزرگترین بازیکنان جهان تبدیل شد تا جایی که حتی حالا هم بسیاری از علاقه مندان فوتبال در دنیا او را بهترین بازیکن تاریخ می‌دانند. بازیکنی که وقتی از جمع کاتالان ها جدا شد و به ناپولی پیوست، یکی از گویندگان خبر این انتقال را خرید گرانترین بازیکن فوتبال جهان توسط فقیرترین شهر ایتالیا توصیف کرد. مردم لایل آندرا وارا می‌خواستند که وقتی رئیس وقت بارسلونا در لحظه آخر طلب پول بیشتر کرد، آن را از کف خیابان جمع کنند و برای خرید دیگو فرستادند. مارادونا یکی از بهترینها می‌باشد. او تا جایی رفت ساخت که قهرمانی سری A و جام یوفا را به دست آورد و شد همه دار و ندار او. گل قرن را زد و با «دست خدا» توپ را وارد دروازه پیتِر شِلِتُون کرد تا به قول خودش انتقام مردم کشورش را از بریتانیایی‌ها بگیرد. او تا جایی رفت که هواداران تی‌فوسای اش حرف‌های برای سرشتش او تشکیل دادند (!) تا مارادونا خصوصیت تقدس گونه اسامیبر را هم بگیرد و نشانه اکیپ هم با استعاره از دست خدا عنوان «خدا مرد» را برای مرگ او روی جلد خود بیارد. مارادونا ۶۰ سال بیشتر عمر نکرد. در حالی که شاید باید زودتر از اینها می‌مرد. اما این اتفاق است که گاهی برای اسطوره‌ها می‌افتد. مثل درگذشت اسطوره کشتی ایران جهان پهلوان غلامرضا تختی در ۳۷ سالگی و مرگ بروس لی اسطوره ورزش های رزمی جهان در ۳۳ سالگی یا جورج بست ستاره افسانه‌ای فوتبال در ۵۹ سالگی. برای اسطوره‌ها عرض زندگی مهم است، نه طول آن. چون اسطوره‌ها هرگز نمی‌میرند و همیشه در یاد دوستداران خود هستند. مثل مارادونا که نامش تا پایان جهان با فوتبال عجین است و او را خداوندگار فوتبال می‌نامند.

■ شنبه ۸ آذر ۱۳۹۹  
 ■ سال بیست و ششم  
 ■ شماره ۷۵۰۲

## ویژه درگذشت مارادونا

عادل فردوسی پور در گفت‌وگو با «ایران» به راز محبوبیت مارادونا اشاره کرد

## دیگو، همیشه و همه جا خود واقعی‌اش بود

مارادونا بدون تردید بهترین بازیکن تاریخ فوتبال است

ناراحتی هواداران نشان می‌دهد مارادونا چه اثری از خود به یادگار گذاشت



مهیدملکی

عصر پنجشنبه (ششم آذرماه) و پس از درگذشت دیگو مارادونا، مستند مارادونا به کارگردانی آسف کاپادیا بریتانیا مستندساز و فیلمنامه‌نویس اهل، از شبکه مستند تلویزیون پخش شد. نکته قابل توجه این مستند آرشیوی، پخش صدای گزارشگری عادل فردوسی‌پور پس از مدت‌ها در شبکه‌ای از تلویزیون بود. این چهره ماندگار رسانه درخصوص درگذشت اسطوره فوتبال دنیا به خبرنگار «ایران» گفت: «به نظر من مارادونا بهترین بازیکن تاریخ فوتبال به این خاطر که به تنهایی تکلیف و نتیجه مسابقه را مشخص می‌کرد. همان گونه که آرژانتین را قهرمان جام جهانی کرد و ناپولی را برای اولین بار در تاریخ به قهرمانی اروپا رساند. بنابراین او قویا بهترین بازیکن فوتبال دنیاست. بازیکنی با این مشخصات یافت نمی‌شود. به دلیل اینکه کاریزما و عجیب و غریبی داشت و با اینکه فراز و نشیب‌های مختلفی در زندگی حرفه‌ای و شخصی‌اش تجربه کرد ولی بسیار دوست داشتنی بود. به این دلیل، بعید می‌دانم از این به بعد فوتبالیستی ظهور کند و بتواند مارادونا شود.»

در آرژانتین بازیکنان بسیاری ستاره شدند و خیلی‌ها معتقد بودند که این بازیکنان می‌توانند مارادونای شماره ۲ باشند ولی این اتفاق نیفتاد. حتی لیونل مسی هم با اینکه

روزهای پرفراز و نشیب زندگی مارادونا

### از قهرمانی در جام جهانی تا محرومیت و مواد مخدر!

محمد محمدی سدهی خبرنگار

دیگو مارادونا در طول زندگی ۶۰ ساله خود، دوران پرفرازونشیب زیادی را پشت سر گذاشت. اسطوره‌ای که وقتی کودکی ۸ ساله بود، با انجام حرکات نمایشی با توپ فوتبال در اماکن عمومی سعی می‌کرد بخشی از خرج خانواده فقیرش را تأمین کند اما مسیر زندگی تا جایی برای او پیش رفت که در نظرسنجی که از سوی فیفا انجام شد، همراه با پله عنوان برترین بازیکن قرن بیستم را به خود اختصاص داد، البته در سال ۲۰۱۰ مجله تایم فهرست ۱۰ بازیکن تأثیرگذار تمام ادوار جام جهانی را منتشر کرد که دراین فهرست رتبه نخست از آن مارادونا بود. این پسر زرین در اواخر دوران فوتبال خود با حواشی زیادی دست و پنجه نرم کرد و محرومیت‌های مختلفی را پشت سر گذاشت، اما بسیاری از هواداران فوتبال او را عاشقانه دوست داشتند و به قبت اخبار پیرامون او را دنبال می‌کردند.

**نخستین سال‌های یک‌دیل‌زن قهار**

مارادونا فعالیت خود را از باشگاه آرژانتینوس جونیورز آغاز کرد و سپس به باشگاه محبوب پدرش، بوکا جونیورز در بوئنوس آیرس پیوست. او در همان سال ۱۹۸۱ به همراه این باشگاه قهرمان آرژانتین شد. چندی‌گذشت که مرزهای آرژانتین برای مارادونا کوچک شد و او با پیوستن به بارسلونا راهی اروپا شد تا فصل تازه‌ا را آغاز کند.

**درباراساخت‌نشد**

بارسلونا برای خریدن مارادونا در سال ۱۹۸۲ مبلغ ۷ / ۳ میلیون دلار پرداخت کرد که در آن زمان رقمی بی‌سابقه بود. مارادونا اما در بارسا طعم خوشبختی را نچشید. بین او و اودو لاتک، سرمربی آلمانی آبی و اناری‌ها پیوسته بحث و مشاجره درمی‌گرفت. از آن گذشته تفریح و شب‌گردانی در بارسلونا، مارادونا را مشغول کرده بود. او سرانجام پس از دو فصل جمع آبی واناری پوشان را ترک کرد.

**قهرمان ناپولی و اسطوره شدن**

مارادونا در سال ۱۹۸۴ میلادی درازای ۲۴ میلیون مارک که در آن زمان رکورد محسوب می‌شد، به باشگاه ایتالیایی ناپولی پیوست.

چیزی باعث شد تا محبوبیتش کمakan باقی بماند؟ چنین نظر داد: «مارادونا خودش بود و در هر بُعد از زندگی، همیشه و همه جاخود واقعی‌اش را نشان می‌داد. برای همین بین هواداران در سراسر دنیا محبوب بوده و در کنار آن کاریزماي دوست داشتنی داشت و فوتبالیست فوق‌العاده‌ای هم بود. یک جمله معروف است که پپ گواردیولا آن را تکرار کرد و آن این بود که برای ما مهم نیست که او بازیکن اش چه کار کرده، مهم این است که مارادونا با زندگی ما چه کاری کرده است. مارادونا در زندگی خیلی از هواداران فوتبال تأثیرگذار بود و او با بازی‌های خوش هواداران را به این رشته علاقمندتر کرد.» این مجری سابق برنامه ۹۰ در پاسخ دوباره به این سؤال که چرا مارادونا بهترین

فردوسی‌پور در پایان خبر خوبی به دوستداران فوتبال خارجی و برنامه فوتبال ۱۲۰ داد و گفت: «ان‌شاءالله سری جدید فوتبال ۱۲۰ از یک یا دو هفته دیگر پخش می‌شود.»

مخدر دست داشته است. مارادونا که ظاهراً به بوئنوس آیرس پناه برده بود، در خانه خود مورد هجوم پلیس آرژانتین واقع شده و اعلام می‌شود در خانه‌اش مقادیر زیادی مواد مخدر کشف شده است. مارادونا دیگر نمی‌توانست به نایل بازگردد.

**حبس تعلیقی**

مارادونا در سال ۱۹۹۲ به سویا پیوست و مدتی بعد نیز در نیولز اولد بویز آرژانتین به بازی ادامه داد. او اما در نیمه نخست دهه ۹۰ میلادی بیشتر به خاطر مسائل غیروزشی خیرساز شد، از جمله در سال ۱۹۹۴ که به خاطر تیراندازی به خبرنگارانی که جلوی ویلای او تجمع کرده بودند، به ۳۴ ماه حبس تعلیقی محکوم شد.

**محرومیت‌دوباره**

او در آستانه جام جهانی ۱۹۹۴ بار دیگر پیراهن تیم ملی را به تن کرد و برابر یونان گلی زیبا را برای تیمش به ثمر رساند ولی به پایان بازی آرژانتین و نیجریه (که مارادونا به‌عنوان بهترین بازیکن زمین شناخته شد) بود. آزمونش دوبینک او کمیت اعلام شد، فیفا، مارادونا را دو سال محروم کرد و آرژانتین هم در یک‌هشتم نهایی توسط رومانی حذف شد. بسیاری از افراد بر این باورند که در محرومیت مارادونا، ژائو هاوالانژ رئیس بزریلی وقت فیفا نقش مهمی را بازی کرده بود و بسیاری بر این باورند که با محرومیت مارادونا راه برای قهرمانی بزریل پس از ۲۴ سال هموار شد. مارادونا بعداً مدعی شد دارویی که او را به‌دلیل آن از مسابقات محروم کرده بودند، با هماهنگی فیفا و برای کاهش وزن بوده است. این ادعا هیچ‌گاه از جانب فیفا پاسخی داده نشد.

**میریگری آرژانتین**

مارادونا ۲۵ اکتبر ۱۹۹۷ (۳۱ آبان ۱۳۷۶) آخرین بازی را در پیراهن بوکاجونیورز انجام و به فعالیت حرفه‌ای خود به‌عنوان بازیکن پایان داد. او سال ۲۰۰۸ سرمربی آرژانتین شد. او سال ۲۰۱۰، ۴۰ - از آلمان شکست خورد. با این حال او در بازگشت به آرژانتین با استقبال بسیار گسترده هوادارانش مواجه شد اما با این حال از سرمربیگری آرژانتین کنار گذاشته شد.



این باشگاه تا آن زمان طعم قهرمانی را نبشیده و در فصل پیش از آن حتی در آستانه سقوط به لیگ دسته دوم قرار داشت. مارادونا بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۱ بزرگ‌ترین موفقیت‌های باشگاهی خود را جشن گرفت و به یک قهرمان مردمی بدل شد اما به خاطر ولنگاری‌های متعدد هم خبرساز بود. از جمله در پی مصرف کوکائین و داشتن ارتباط با مافیای با این حال، ناپلی‌ها عاشق مارادونا بودند چون او نیز مانند آنان در کودکی فقیر بود. هر بار ناپولی در خانه بازی داشت، ۸۰ هزار تماشاگر مشتاق به ورزشگاه سن پائولو می‌آمدند تا مارادونا را ببینند. تماشاگران روی پارچ‌های نوشته بودند: «گرسنگی با مارادونا تحمل‌پذیرتر است». حالا هم ردپای مارادونا را در این کنار نابل می‌توان دید، حتی در استادیومی که حالا ورزشگاه دیگو مارادونا نام گرفته است.

**بزرگ‌ترین موفقیت**

جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک، جام جهانی مارادونا بود. او در این تورنمنت توانست برای دومین بار عنوان قهرمانی فوتبال جهان را برای آرژانتین به ارمغان آورد. گلی که او در مرحله یک‌چهارم نهایی مقابل انگلیس با دست به ثمر رساند، به «دست خدا» شهرت یافته است. او که در نقطه اوج

